



می شود. ملت یک واحد کلان اجتماعی مشتعل بر خرده فرهنگ‌های دارای آیین‌ها، مناسک، هنجارها و ارزش‌های مختلف است. بنابراین در تعریف یک ملت باید همه این اجزا و پراکندگی‌ها را ملاحظه کرد. ملت مفهومی است که در عین وحدت بر تکثر اتکا دارد و هر نگاه صفر و صدی به آن مخاطره‌آمیز است. اگر ما تمرکزمان را بر اجزا بگذاریم سبب پراکندگی و فروپاشی اجتماعی می شود که همه اجزا را متضرر خواهد کرد و اگر سیاست نادیده گرفتن خرده فرهنگ‌ها را پیشه کنیم و همه را ذیل یک واقعیت اعتباری تعریف کنیم باز هم آن کل واحد یعنی ملت است که آسیب می بیند. چنانکه عواقب شوم سیاست یکسان‌سازی را در دوره استبداد رضاخانی و در قالب اثرات حضور قدرت‌های استبدادی در کشورهای مستعمره دیده‌ایم.

تصویری که در رسانه‌های فارسی زبان خارج کشور از مردم ایران بویژه تحت عنوان مردم «معترض» و «ناراضی» معرفی می شود چه نسبتی با کلیت جامعه ایران دارد و آنچه به عنوان «ملت» های مختلف به اعتبار ویژگی های قومی طرح می کنند تا چه حد قابل اعتنا است؟

سیاست رسانه‌های سیاست‌بازنمایی است؛ اما این رسانه‌ها که با بودجه چندین میلیون دلاری‌شان به دولت‌ها و سرویس‌های امنیتی‌شان وابسته‌اند؛ نه در پی بازنمایی حقیقت که به دنبال بازنمایی منفعت و قدرت‌اند و نگاهی به سمت و سوی اخبار و تیتراهای انتخابی‌شان بخوبی این منافع و مناسبات را آشکار می کند. بنابراین وقتی سیما ثابت در اینترنشنال صحبت می کند لازم نیست گذشته او را جست‌وجو کنیم بلکه باید ببینیم او پشت کدام تریبون و برای حفظ منافع کدام کشور یا سرویس امنیتی حرف می زند.

خصوصاً در مورد شبکه‌هایی که با پشتیبانی سرویس‌های امنیتی اداره می شوند، دعوای و دشمنی‌های آنها با منافع ملی ایران کاملاً هویدا است و حتماً در تحلیل محتوایشان مؤثر است.

این رسانه‌ها برای تأمین منافع مورد نظرشان حتی اگر چیزی وجود نداشته باشد آن را تولید می کنند و چنان پروپاگاندایی انجام می دهند که مخاطبان همیشگی‌شان کاملاً از واقعیت و حقیقت انقطاع پیدا می کنند زیرا مخاطبان همیشگی یک رسانه مانند هواداران شیفته سکانت یک سلب‌ریتی، آرام‌آرام به جزئی از آن رسانه تبدیل می شوند و اندک اندک رسانه می تواند جهان بینی، هنجارها و باورهای آنها را تعیین کند.

از جمله سیاست‌هوتی که این رسانه‌ها در راستای منافع و سلطه قدرت‌های بزرگ پیگیری می کنند یکی همین واژه‌سازی و تاریخ‌سازی است تا از یک قومیت که در ذیل یک ملت تعریف می شود ملیتی جداگانه بسازند. سیاستی که در پس‌اش هیچ حقیقتی وجود ندارد.

برای رسانه‌های فارسی زبان وابسته به دولت‌ها و سرویس‌های امنیتی خارجی اصلاً مهم نیست که

ایرانی‌ها چند میلیون اند، ده میلیون یا صد میلیون، برایشان مهم نیست که ایرانی‌ها فرهنگ و هویت چند هزار ساله دارند، مهم نیست که هنجارها، ارزش‌ها و باورهای ما چه بوده است و در راهپیمایی ۲۲ بهمن سالگرد انقلاب اسلامی سال ۵۷ بر چه ارزش‌هایی پایداری می کنند؛ بلکه تنها به دنبال دستکاری ذهن ملت ایران‌اند و در راهبرد دوگانه‌سازی خود به شکل کودکان‌های ملتی متنوع، متکثر و تاریخ‌مند همچون ملت ایران را به دو قسمت «با ما» یا «بر ما» تقسیم می کنند. آنها سعی می کنند جمعیتی را که بر آنها است اقلیتی رو به فراموشی، رانت خوار و وابسته و مرتزق است از نظام سیاسی و حکومت معرفی کنند و از طیفی از مردمی که به بعضی مسائل اعتراض دارند تصویر اکثریتی خواهان براندازی نظام‌بازنمایی کنند و استدلال‌شان هم در امثال «بی بی سی»، «منو تو» و «ایران اینترنشنال» این است که حقیقت همان است که ما می‌گوییم. گو اینکه در بین خودشان دعوا دارند و چون منافع طرف‌های مختلفی را نمایندگی می‌کنند در افشاکاری‌هایشان علیه یکدیگر این دم خروس پیدا می‌شود که تیتراها و هشنگ‌هایشان تا چه حد خروجی منافع ملی سرویس‌های امنیتی و کشورهای بیگانه است.

اغلب این رسانه‌ها اخبارشان را به محتواهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مانند توییتر و اینستاگرام مستند می‌کنند. این شبکه‌ها و محتوایشان را تا چه حد می‌توان بازتاب نظرات مردم ایران تلقی کرد و مورد استناد قرار داد؟

بدون شک محتوای منتشر شده در این شبکه‌ها را نمی‌توان آینه تمام‌نمایی از فضای ذهنی همه مردم جامعه تلقی کرد. دلپش هم ساده است. مشاهده کرده‌ایم اینستاگرام یا توییتر چگونه صفحات افراد را به صرف انتشار تصویری از شهید سلیمانی مسدود کردند یا آن پست را حذف کرده‌اند. همچنان که حساب کاربری هواداران شخصیت‌های شاخص جبهه مقاومت هم از این دست اندازی‌ها مصون نیست. جز این باید دانست که این شبکه‌ها با بکار بردن الگوریتم‌های شناختی مفاهیم، ارزش‌ها و هشنگ‌های مطلوب خود را فراگیری می‌کنند. بطوری که مخاطب نوعاً منفعل است ناخواسته با آن مواجه شود و تحت تأثیر قرار گیرد. این رویه در حدی است که حتی صدای دولت‌های غربی را هم در آورده و بارها به همین دلیل علیه این شبکه‌ها شکایت کرده‌اند.

بنابراین، این طور نیست که همه نگاه‌ها به مساوات بتوانند از امکان شبکه‌های اجتماعی برای بازنمایی خود استفاده کنند. نباید تصور کنیم ابر ثروتمندان مالک این شبکه‌ها می‌خواهند کار خیرخواهانه کنند، بلکه آنها مالیات می‌دهند و باید به قوانین و مهم‌تر از آن به امنیت ملی کشور متبوع پایبند باشند. بطور کلی مشخص است که غربی‌ها بسیار مراقبت می‌کنند چهارچوب بازی را خودشان تعریف کنند و تنها در آن چهارچوب است که



مردم تا آنجایی

از سوی این

رسانه‌ها حساب

می شوند که

حرکتی قابل

بهره‌برداری بروز

داده باشند اگر

نه سانسور هر

ساله حضور

گسترده آنها در

راهپیمایی‌هایی

همچون

راهپیمایی

۲۲ بهمن به

عنوان یک آیین

ملی و میثاق

جمعی برایشان

امری قطعی

است

اجازه می‌دهند این شبکه‌ها فعالیت کنند.

فارغ از عده و غده‌گرایی‌های مختلف سیاسی رایج در جامعه واضح است، که مردم ایران مانند مردم هر کشور دیگری درباره یک موضوع دیدگاه واحد ندارند، عده‌ای با آن موافق و جمعی دیگر مخالفند. با وجود این تکثر و تباین به صورت مکرری از زبان مقامات کشور می‌شنویم که دشمنان ملت ایران را نشناخته‌اند. چه عامل یا عواملی به این مردم متکثر هویت واحد داده است و نظام سیاسی براساس چه ویژگی‌هایی روی این مردم به عنوان پشتوانه مهم قدرت خود تاکید می‌کند؟

مردم ایران عمیقاً دیندارند. حتی اگر نسبت به گرانی‌ها، سوء مدیریت‌ها و... معترض باشند اما به دلیل عمق دینداریشان نسبت به نظامی که خودشان برپا کردند که مقوم این دینداری است و مردم می‌دانند که با اراده خودشان می‌توانند در آن تغییر ایجاد کنند، پایبندند. آنها پس از هزاران سال رفتن و آمدن حکومت‌های پادشاهی و پس از دهه‌ها حکومت استبدادی یک نظام مردم سالار به نام جمهوری اسلامی بنا کرده‌اند که بد و خویش را از آن خودشان می‌دانند. بخش عمده‌ای از مردم این نظام سیاسی را تا حد زیادی بازتاب اراده خودشان می‌دانند و این شامل اشتباهات و موفقیت‌ها است. زیرا نمی‌توانیم بگوییم که موفقیت‌ها مربوط به فرد یا گروه خاصی است و ناکامی‌ها حاصل فرد و گروهی دیگر. مردم دیندار ایران معتقدند که این نظام همچنان یک موجودیت دینی و بازتاب هویت ملی و ایرانی و ارزش‌هایی است که سال ۵۷ برایشان انقلاب شد. آنها عهد اخوت با مجموعه‌ای نبسته‌اند یعنی به محض اینکه قضاوت عمومی که البته فضیلتی کلی و نه قطعی است بر این قرار باشد که نظم سیاسی موجود کاملاً با آنچه که سال ۵۷ برقرار شد، تفاوت پیدا کرده همان کاری را می‌کنند که در آن سال انجام دادند. بنابراین ارزش‌هایی که برای مردم ایران اهمیت دارند ارزش‌هایی نیستند که قدرت‌های غربی و گروه‌های مورد حمایت‌شان بتوانند تأمین کنند. ویژه آنکه یکی از مهمترین این ارزش‌ها استقلال در سیاست خارجی و ایستادگی در برابر قدرت‌های استکباری است. از نظر مردم هوشیار ایران آنها نمی‌توانند نقش دایه مهربان‌تر از مادر ایفا کنند و لزوماً نظم سیاسی که آنها پیشنهاد می‌دهند نظمی نیست که برای مردم ایران امید بخش باشد.

شما وقتی می‌گویید «مردم ایران» منظورتان دقیقاً متوجه چه گروه جمعیتی است. آیا معتقدید همه ۸۰ و چند میلیون ایرانی در آنچه گفتیم هم نظرند؟

وقتی می‌گوییم «مردم ایران» منظورمان همه احاد جمعیتی است که در وهله نخست از طریق نظامات انتخاباتی اراده سیاسی‌شان را تسری داده‌اند و به هر ترتیب این نظام سیاسی را به رسمیت می‌شناسند و از قوانین آن پیروی می‌کنند. البته حتماً بخشی از مردم با این حرف‌ها و حتی با گذشته ایران موافق نیستند. مثلاً ممکن است ایران خوب برایشان جایی شبیه فرانسه یا امریکا باشد. اما به هر حال مشخص است که بخش قابل توجهی از جامعه نسبت به نظم سیاسی موجود علی‌رغم همه پستی و بلندی‌ها و علی‌رغم همه ناکامی‌ها و خطاها همچنان اعتماد دارد و این را مثلاً با شرکت در انتخابات مختلف، راهپیمایی‌ها و... نشان می‌دهند.

چه باید کرد که آن بخش از مردم که نگاه متفاوت دارند اما مسلماً عضوی از این پیکره واحد محسوب می‌شوند احساس حذف شدگی نکنند و تبدیل به ابزاری برای دشمنان ایران نشوند؟

بدون شک باید در برخی سیاست‌های هویتی بازنگری شود. ما از بعضی ایده‌های درخشان سال ۵۷ فاصله گرفته‌ایم. ما نیاز به بازخوانی هوشمندانه نسبت به شعارهای سال ۵۷ و نسبت به امنیت هستی‌شناسی خودمان داریم. باید بازخوانی کنیم و ببینیم که آیا هر اعتراضی و هر اختلاف سلیقه‌ای باعث ضدیت ما می‌شود. آیا می‌توانیم و بجا است که بخواهیم هر چه می‌پسندیم تمام احاد ملت بپسندند. ببینیم اگر نپسندند برخورد درست با آن چیست. آیا باید آن نگاه کنار گذاشته شود یا باید به صورت مداوم گفت‌وگو کنیم. به نظرم سیاست هویتی همه جانبه‌گرا بهترین پاسخ به ملت شریف ایران است که باید از طرف نظام سیاسی نسبت به آنها اعمال شود.



■ آنها تنها به دنبال دستکاری ذهن ملت ایران‌اند و در راهبرد دوگانه‌سازی خود به شکل کودکان‌های ملتی متنوع، متکثر و تاریخ‌مند همچون ملت ایران را به دو قسمت «با ما» یا «بر ما» تقسیم می‌کنند.

■ آنها سعی می‌کنند جمعیتی را که بر آنها است اقلیتی رو به فراموشی، رانت خوار و وابسته و مرتزق است از نظام سیاسی و حکومت معرفی کنند و از طیفی از مردمی که به بعضی مسائل اعتراض دارند تصویر اکثریتی خواهان براندازی نظام‌بازنمایی کنند.

■ استدلال‌شان هم در امثال «بی بی سی»، «منو تو» و «ایران اینترنشنال» این است که حقیقت همان است که ما می‌گوییم. گو اینکه در بین خودشان دعوا دارند و چون منافع طرف‌های مختلفی را نمایندگی می‌کنند در افشاکاری‌هایشان علیه یکدیگر این دم خروس پیدا می‌شود که تیتراها و هشنگ‌هایشان تا چه حد خروجی منافع ملی سرویس‌های امنیتی و کشورهای بیگانه است.